

الله أكبر  
محمد



# **بررسی تأثیر انحلال و ورشکستگی مشتری بر مطالبات مؤسسه اعتباری**

## فهرست مطالب

| عنوان                                                                                             | شماره صفحه |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|
| بخش اول - کلیات .....                                                                             | ۴          |
| مبحث اول - تعاریف .....                                                                           | ۴          |
| مبحث دوم - مستندات قانونی .....                                                                   | ۵          |
| بخش دوم - تأثیر انحلال شرکت تجاری (مشتري بدهکار) بر مطالبات مؤسسه اعتباری .....                   | ۶          |
| مبحث اول - جهات انحلال شرکت .....                                                                 | ۶          |
| مبحث دوم - ملاحظات و اقدامات قانونی مرتبط با بستانکاران در صورت انحلال شرکت .....                 | ۶          |
| خلاصه اهم مطالب بخش دوم .....                                                                     | ۹          |
| بخش سوم - تأثیر ورشکستگی مشتري بدهکار، بر مطالبات مؤسسه اعتباری .....                             | ۱۰         |
| مبحث اول - ملاحظات و اقدامات قانونی مرتبط با بستانکاران در صورت ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری ..... | ۱۰         |
| مبحث دوم - اهم آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مرتبط با موضوع ورشکستگی .....            | ۱۳         |
| مبحث سوم - سایر نکات .....                                                                        | ۱۴         |
| خلاصه اهم مطالب بخش سوم .....                                                                     | ۱۶         |

## بخش اول - کلیات

### مبحث اول - تعاریف:

- ✓ **تاجر:** کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار دهد. (ماده ۱ قانون تجارت)
- ✓ **شخصیت حقوقی:** موجودیتی است که می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای اشخاص حقیقی قائل است مگر آنچه مختص انسان است مثل حقوق و وظایف پدر یا فرزندی (مواد ۵۸۳ تا ۵۸۸ قانون تجارت)
- ✓ **شرکت تجاری:** نوعی شرکت که به موجب قوانین تجاری و مالی برای انجام امور بازرگانی و بردن سود با سرمایه معین تشکیل می‌شود و باعث پیدایش شخصیت حقوقی در حقوق خصوصی می‌شود. (ماده ۲۰ قانون تجارت)
- ✓ **انحلال شرکت:** خاتمه عملیات و فعالیت شرکت به صورت اجباری یا اختیاری.
- ✓ **ورشکستگی:** وضعیت یک تاجر (اعم از شخص حقیقی یا شرکت تجاری) است که از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده و نمی‌تواند تعهدات خود را ایفا نماید. در اصطلاح به این شخص، ورشکسته یا مفلس می‌گویند. (ماده ۴۱۲ قانون تجارت)
- ✓ **ورشکستگی به تقلب:** حالت تاجری است که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی‌های خود را مخفی کرده یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از بین برده و یا خود را به وسیله اسناد یا صورت دارایی و قروض به طور تقلب مدیون قلمداد کند. (ماده ۵۴۹ قانون تجارت)
- ✓ **ورشکستگی به تقصیر:** حالت تاجری است که «مخارج شخصی و خانه او بیشتر از درآمد حاصله است»، «معامله‌ای غیر متعارف کرده باشد»، «پس از تاریخ توقف یکی از طلبکاران را ترجیح دهد» و یا «به قصد تاخیر در ورشکستگی، خریدی بالاتر یا فروشی پایین‌تر از مظنه روز نماید (و به طور کلی، مواردی از این قبیل که در مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت ذکر گردیده است).
- ✓ **تاریخ توقف:** زمانی است که حسب تشخیص دادگاه، تاجر از تادیه دیون و مطالباتی که بر عهده او است، عاجز و ناتوان می‌شود. (ماده ۴۱۶ قانون تجارت)
- ✓ **عملیات تصفیه:** به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌انجامد. (ماده ۲۰۷ قانون تجارت)
- ✓ **اداره تصفیه امور ورشکستگی:** نهادی است که به تشخیص وزارت دادگستری، در هر حوزه قضایی که لازم باشد، برای رسیدگی به امور ناشی از ورشکستگی و تصفیه بدهی‌ها و مدیریت اموال تاجر در این زمینه، تشکیل و تاسیس می‌گردد و بدون وجود عضو ناظر، به مسائل مربوط به تاجر یا شرکت ورشکسته، رسیدگی می‌کند. (ماده ۱ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی)
- ✓ **دین حال:** دینی که یا مدت ندارد و یا مدتش سررسیده است و طلبکار حق مطالبه آن را دارد.
- ✓ **دین مؤجل:** دین مدت‌دار که پیش از سرآمدن مدت، طلبکار حق مطالبه آن را ندارد.

✓ **دین ممتازه:** دین (یا طلب) ممتازه، دینی است که نسبت به طلب‌های دیگر از مدیون معین، دارای اولویت خاص قانونی

پرداخت است. (مواد ۵۱۴ تا ۵۲۲ قانون تجارت و ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی)

✓ **قرارداد ارفاقی:** قراردادی است که میان تاجر ورشکسته عادی یا ورشکسته به تقصیر و طلبکاران او (حداقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن حداقل سه چهارم از کلیه مطالبات تصدیق شده) منعقد می‌شود و در آن طلبکاران می‌پذیرند تاجر ورشکسته به تجارت خود بازگردد و در موعدهی مقرر طلب آن‌ها را بپردازد. (مواد ۴۷۹ و ۴۸۰ قانون تجارت)

✓ **اعسار:** وضعیت شخص غیر تاجری است که به دلیل عدم دسترسی به مال خود یا کافی نبودن دارایی، قدرت پرداخت دیون یا هزینه دادرسی خود را نداشته باشد.

### مبحث دوم - مستندات قانونی:

#### ۱- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شامل ۶۰۰ ماده:

- ✓ ماده ۱ (تعریف تاجر)
- ✓ ماده ۲۰ (انواع شرکت‌های تجاری)
- ✓ مواد ۶ الی ۱۵ (دفاتر تجاری)
- ✓ ماده ۹۳ (انحلال شرکت سهامی)
- ✓ ماده ۱۱۴ (انحلال شرکت با مسئولیت محدود)
- ✓ ماده ۱۳۶ (انحلال شرکت تضامنی)
- ✓ ماده ۱۶۱ (انحلال شرکت مختلط غیر سهامی)
- ✓ ماده ۱۸۱ (انحلال شرکت مختلط سهامی)
- ✓ ماده ۱۸۹ (انحلال شرکت نسبی)
- ✓ مواد ۲۰۲ الی ۲۱۸ (تصفیه امور شرکت‌ها)
- ✓ مواد ۴۱۲ الی ۵۷۵ (ورشکستگی)
- ✓ اهم مواد مرتبط با ورشکستگی شامل: ماده ۴۱۲ (تعریف ورشکستگی)، مواد ۴۱۳ الی ۴۲۶ (اعلان ورشکستگی و اثرات آن)، ماده ۴۵۸ (دعای مرتبط با هیأت طلبکارها)، مواد ۴۶۲ الی ۴۷۵ (تشخیص مطالبات طلبکارها)، مواد ۴۷۶ الی ۵۱۳ (قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته)، مواد ۵۱۴ الی ۵۲۱ (اقسام طلبکارها و حقوق هریک از ایشان)، مواد ۵۲۲ الی ۵۲۷ (تقسیم بین طلبکارها)، مواد ۵۳۷ الی ۵۴۰ (شکایت از احکام ورشکستگی)، ماده ۵۵۷ (حکم قراردادهای بعد از تاریخ توقف)، ماده ۵۶۲ (برخی شرایط مطالبه خسارت تأخیر تأدیه).

#### ۲- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ شامل ۳۰۰ ماده:

- ✓ مواد ۱۹۹ الی ۲۳۱ (انحلال و تصفیه شرکت سهامی)

#### ۳- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب شامل ۱۳۱۸ شامل ۶۰ ماده:

- ✓ ماده پنجم (نحوه شکایت از اقدامات اداره تصفیه)
- ✓ مواد سیزدهم الی بیست و دوم (اقدامات تأمینی)
- ✓ مواد بیست و سوم الی بیست و پنجم (دعوت بستانکاران)
- ✓ مواد بیست و ششم الی بیست و نهم (اداره اموال)
- ✓ مواد سی‌ام الی سی و هفتم (رسیدگی به مطالبات)
- ✓ مواد سی و هشتم الی چهل و پنجم (تصفیه)

✓ مواد چهل و ششم الی چهل و هشتم (تقسیم وجوه)

✓ ماده پنجاه و هشتم (طبقات بستانکاران - حق تقدم)

#### ۴- آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

✓ رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵-۱۳۴۷/۱۲/۱۴

✓ رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱-۱۳۷۰/۳/۲۸

✓ رأی وحدت رویه شماره ۷۸۸-۱۳۹۹/۳/۲۷

✓ رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹-۱۳۹۹/۴/۳

### بخش دوم- تأثیر انحلال شرکت تجاری (مشتري بدهکار) بر مطالبات مؤسسه اعتباری :

انحلال شرکت به معنای پایان فعالیت شرکت است. پس از انحلال شرکت‌های تجاری به یکی از جهات قانونی و ثبت آن در مرجع ثبت شرکت‌ها، امور شرکت باید تصفیه شده و دارایی آن میان شرکا یا سهامداران تقسیم شود. شخصیت حقوقی شرکت تا زمانی که دارایی شرکت تقسیم نشده پابرجا خواهد بود.

#### مبحث اول- جهات انحلال شرکت:

شرکت‌های تجاری بنا به جهات ذیل (حسب نوع شرکت) منحل می‌شوند:

✓ انتفای موضوع شرکت

✓ انقضاء مدت

✓ ورشکستگی

✓ اراده شرکا

✓ فسخ توسط یکی از شرکا (شرکت‌های تضامنی، مختلط غیر سهامی و نسبی)

✓ فقدان یکی از شرایط قانونی

✓ حکم دادگاه (حسب درخواست احد از شرکاء یا اشخاص ذینفع)

✓ اقدام طلبکاران یکی از شرکا

✓ فوت، حجر و یا ورشکستگی یکی از شرکا (در چارچوب احکام قانون تجارت)

✓ توقف فعالیت (شرکت‌های سهامی و تعاونی)

شایان ذکر است به موجب ماده ۲۰۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و ماده ۲۰۲ قانون تجارت، انحلال شرکت و تصفیه امور آن در صورت «ورشکستگی»، تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است. لذا مطالب ذکر شده در این بخش، ناظر بر موارد انحلال غیر از ورشکستگی بوده و نکات و ملاحظات خاص مربوط به انحلال به جهت ورشکستگی نیز در بخش سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### مبحث دوم- ملاحظات و اقدامات قانونی مرتبط با بستانکاران در صورت انحلال شرکت:

موارد مذکور در این مبحث، بر مبنای احکام مندرج در مواد ۱۹۹ الی ۲۳۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و مرتبط با شرکت‌های سهامی است. البته در خصوص سایر شرکت‌ها (غیر از شرکت سهامی) نیز مواد ۲۰۲ الی ۲۱۸ قانون تجارت، احکامی وضع نموده است که با توجه به تشابه عمده احکام مرتبط در لایحه قانونی مزبور و قانون تجارت، از تکرار آن‌ها خودداری می‌گردد.

## ✓ نحوه اطلاع بستانکاران از انحلال:

طبق ماده ۲۰۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیر یا مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکتها اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار که اطلاعیهها و آگهیهای مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشار روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است. البته باید توجه داشته که اصولاً اثر انحلال از زمان ثبت و اعلان آن، جاری می‌شود. در این رابطه ماده ۲۱۰ لایحه قانونی مقرر می‌دارد، انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است.

## ✓ تصفیه امور شرکت و مسئولیت‌های قانونی مدیر تصفیه:

- **تعیین مدیر تصفیه:** طبق ماده ۲۰۴ لایحه قانونی، امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق‌العاده‌ای که رأی به انحلال می‌دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. در صورتی نیز که به هر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظائف خود عمل نکند وفق ماده ۲۰۵، هر ذینفع (از جمله بستانکاران شرکت)، حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد. در موارد انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه نیز مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود.<sup>۱</sup>
  - **ابقاء شخصیت حقوقی شرکت تا خاتمه تصفیه:** حسب ماده ۲۰۸، تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران برای تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت می‌باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد. حسب قسمت اخیر ماده مزبور، در ایام تصفیه شرکت‌های تجاری، مدیران تصفیه می‌توانند مبادرت به انعقاد معاملاتی نمایند که ملازمه با انجام تعهدات آنان داشته باشند و به جهت اینکه دیگر، شرکت نمی‌تواند به فعالیت‌های گذشته خود، ادامه دهد؛ باید از انعقاد قراردادهای غیرضروری خودداری کنند. لذا به نظر می‌رسد شرکت منحل در راستای انجام تعهدات باقیمانده شرکت و نه برای انجام فعالیت و اقدام جدید، می‌تواند دریافت کننده خدمات بانکی (طی قرارداد منعقد با مدیر تصفیه) باشد، لیکن با عنایت به ریسک‌های مترتب بر پرداخت تسهیلات به یک شرکت منحل و جهت حفظ و رعایت حقوق و مصالح بانک، اعطای تسهیلات بانکی به شرکت منحل، متنفی و فاقد موضوعیت به نظر می‌رسد. مضافاً اینکه طبق ماده (۶۶) آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی، ارائه‌دهندگان خدمات پایه مکلفند رویه‌هایی را اتخاذ کنند که در کمتر از مدت یک ماه تغییراتی که منجر به ابطال یا تعلیق شناسه هویتی در شخص حقیقی یا حقوقی می‌شود (نظیر فوت، حجر، انحلال و یا ممنوع‌المعامله شدن) را احراز و ادامه ارائه خدمت را به صورت نظام‌مند متوقف کنند.
  - اضافه می‌نماید، یکی از مهمترین آثار بقای شخصیت حقوقی شرکت منحل آن است که دارایی شرکت باقی می‌ماند و به مالکیت مشاع شرکا در نمی‌آید. این وضع به طلبکاران شرکت امکان می‌دهد که از دارایی شرکتی که با او معامله کرده‌اند، انحصاراً بهره‌مند شوند و با طلبکاران شخصی شرکا در رقابت نباشند.
  - **محدوده اختیارات مدیر تصفیه:** برابر ماده ۲۱۲ لایحه قانونی، مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داور و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعوای و دفاع از دعوای وکیل تعیین نمایند.
  - **مسئولیت مدنی مدیر تصفیه:** در اثر ارتکاب تقصیر تابع اصول کلی حقوق مدنی می‌باشد و چنانچه در اثر تقصیر مدیر تصفیه به ذینفعان از جمله بستانکاران شرکت مستقیماً خسارتی وارد گردد، مدیر تصفیه مسئول جبران خسارت می‌باشد.
- لذا به طور خلاصه می‌توان گفت اقدامات طلبکاران از جمله بانک‌ها جهت وصول حقوق خود، باید به طرفیت و از طریق مدیر تصفیه صورت پذیرد.

<sup>۱</sup> طبق ماده ۲۰۳ قانون تجارت، در شرکت‌های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیرسهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند. ماده ۲۱۳ نیز در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود و تعاونی مقرر داشته امر تصفیه بعد از مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

## ✓ تقسیم دارایی:

- **لزوم دعوت از بستانکاران:** بر اساس ماده ۲۲۵ لایحه قانونی، تقسیم دارایی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آن که شروع تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاً سه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های مربوط به شرکت در آن درج می‌گردد آگهی شده و لااقل شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد. ضمانت اجرای حکم مزبور نیز در ماده ۲۲۶ پیش‌بینی گردیده است. طبق این ماده، تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارات بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود را دریافت نکرده‌اند.
- **لزوم حفظ حقوق بستانکاران در تقسیم دارایی نقدی:** وفق ماده ۲۲۳، آن قسمت از دارایی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می‌شود به شرط آن که حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است موضوع شده باشد.  
به عبارت دیگر، مدیر تصفیه باید برای پرداخت دیون آتی شرکت، یعنی دیونی که هنوز موعد آن‌ها نرسیده (به عنوان مثال، اقساط تسهیلات بانکی) مبالغی را نگهداری کند و حق ندارد بدون وضع مبلغی معادل این دیون حین تصفیه، چیزی از دارایی شرکت میان شرکا تقسیم کند. نکته حایز اهمیت دیگری که در اینجا قابل ذکر است، مرتبط با طلب بستانکاران دارای وثیقه می‌باشد. با این توضیح که به رغم عدم تصریح احکام قانون تجارت در بخش مربوط به انحلال شرکت، اصولاً به لحاظ حقوقی، طلبکاران دارای وثیقه از جمله بانک‌ها، نسبت به مال مورد وثیقه (اعم از منقول و منقول) دارای حق عینی و تبعاً اولویت در دریافت طلب از محل فروش مال مورد وثیقه می‌باشند.
- **تکلیف وجوه باقیمانده پس از ختم تصفیه:** طبق ماده ۲۲۸ لایحه قانونی، پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی نزد یکی از بانک‌های ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده‌اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضاء ده سال از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقیمانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.  
همچنین به موجب ماده ۲۲۴ پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تأدیه کلیه دیون دارایی شرکت بدواً بمصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد بترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتیکه اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.  
شایان ذکر است در احکام قانونی مرتبط با موضوع انحلال شرکت (غیر از موارد انحلال ناشی از ورشکستگی)، حکمی در خصوص حال شدن دیون شرکت پیش‌بینی نگردیده و بدین لحاظ (با عنایت به اینکه اصل، عدم حال شدن دیون است و احکام خاص و استثنائی از جمله در مورد ورشکستگی، قابل تسری به سایر موارد انحلال نمی‌باشد)، در موارد اخیرالذکر، دیون مؤجل در موعد مقرر، قابل مطالبه و پرداخت خواهد بود. به عبارت دیگر، مدیر تصفیه، به تدریج و در سررسید، این قسم دیون را کارسازی می‌نماید. بدیهی است این موضوع برای بانک‌های طلبکار در رابطه با طلب مؤجل (اقساط) ناشی از تسهیلات و تعهدات بانکی اعطا/ایجاد شده حایز اهمیت خواهد بود.

## ✓ تعقیب مدیران متخلف:

طبق ماده ۱۴۳ قانون تجارت، در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست دادگاه صلاحیتدار می‌تواند بتقاضای هر ذینفع [از جمله بستانکاران] هر یک از مدیران و یا مدیر عاملی را که ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن دارایی شرکت بنحوی از انحاء معلول تخلفات او بوده است منفرداً یا متضامناً بتأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از دارایی شرکت ممکن نیست محکوم نماید.

## خلاصه اهم مطالب این بخش:

- با توجه به مطالب ذکر شده در این بخش، می‌توان به طور خلاصه، مهمترین ملاحظات قانونی مرتبط با انحلال شرکت تجاری، تأثیر آن بر مطالبات بستانکاران (به طور خاص، بانک‌ها) و اقدامات قابل انجام از سوی ایشان را به شرح ذیل بیان نمود:
- ✓ بقای شخصیت حقوقی شرکت منحل تا پایان عملیات تصفیه؛
  - ✓ لزوم انجام اقدامات لازم جهت وصول مطالبات، به طرفیت مدیر تصفیه؛
  - ✓ حال نشدن دیون مؤجل (از جمله اقساط تسهیلات بانکی) با انحلال شرکت (غیر از موارد انحلال به جهت ورشکستگی)؛
  - ✓ لزوم حفظ حقوق بستانکاران، پیش از تقسیم هر بخش از دارایی شرکت؛
  - ✓ پرداخت تدریجی دیون مؤجل در سررسید؛
  - ✓ اولویت طلبکاران دارای وثیقه (از جمله بانک‌ها) در دریافت طلب از محل فروش مال مورد وثیقه شرکت منحل.

## مواعد لازم‌الرعايه و مرتبط با حقوق بستانکاران در انحلال شرکت‌ها

| ردیف | موضوع                                                                                                        | زمان                                                                                 | مرجع مکلف                                                                            |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱    | اعلام تصمیم مجمع فوق‌العاده به انحلال، همراه با اسامی مدیران تصفیه و نشانی آنها به مرجع ثبت شرکت‌ها          | ظرف ۵ روز پس از اتخاذ تصمیم به انحلال                                                | مدیران تصفیه                                                                         |
| ۲    | اطلاع‌رسانی عمومی انحلال شرکت در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت                                                 | (بلافاصله) پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها                                             | اداره ثبت شرکت‌ها                                                                    |
| ۳    | اعلام شروع عملیات تصفیه و دعوت بستانکاران در روزنامه رسمی و روزنامه شرکت جهت تقسیم دارایی شرکت بین سهامداران | پس از شروع تصفیه و طی ۳ مرتبه به فاصله یک ماه و گذشت حداقل ۶ ماه از تاریخ اولین آگهی | مدیران تصفیه                                                                         |
| ۴    | اعلام ختم عملیات تصفیه به مرجع ثبت شرکت‌ها جهت ثبت و اطلاع‌رسانی عمومی و حذف نام شرکت                        | یک ماه پس از ختم تصفیه                                                               | مدیران تصفیه                                                                         |
| ۵    | انتقال وجوه باقیمانده پس از ختم تصفیه به خزانه دولت با اطلاع دادستان                                         | تا ۱۰ سال از تاریخ آگهی ختم تصفیه                                                    | بانک<br>(یکی از بانک‌ها با تشخیص مدیران تصفیه که وجوه باقیمانده به آن تسلیم شده است) |
| ۶    | نگهداری دفاتر و اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده                                                                 | تا ۱۰ سال از تاریخ ختم تصفیه                                                         | اداره ثبت شرکت‌ها                                                                    |

## بخش سوم - تأثیر ورشکستگی مشتری بدهکار، بر مطالبات مؤسسه اعتباری:

به موجب ماده ۴۱۲ قانون تجارت، «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می‌شود». به عبارت ساده‌تر، تاجر یا شرکت تجاری ورشکسته، شخصی است که از بازپرداخت بدهی‌های خود ناتوان است. بنابراین ورشکستگی صفتی است که به تاجر داده می‌شود. لکن در خصوص اشخاص غیرتاجر که از پرداخت دیون خود ناتوان هستند، عنوان «معسر» اطلاق می‌گردد که این دو از جهات مختلفی، دارای **وجوه افتراق** می‌باشند: از جمله در مورد:

- «**توانایی اداره اموال**»، که تاجر از اداره اموال خود به طور کلی منع می‌شود و اداره اموال او به مدیر تصفیه واگذار می‌شود اما معسر از اداره اموال خود ممنوع نمی‌شود.
  - «**اقامه دعوی**»، از این حیث که تاجر ورشکسته از اقامه دعوی محروم می‌شود و دیگر اجازه اقامه دعوی علیه طلبکاران را ندارد اما در اعسار حق اقامه دعوی علیه طلبکاران برای معسر از بین نمی‌رود.
  - «**نسبیت حکم**»، با این توضیح که حکم ورشکستگی یک حکم عام است و بین ورشکسته و تمام طلبکاران چه کسانی که اقامه دعوی کرده‌اند و چه نکرده‌اند جاری است، در حالی که حکم اعسار نسبی است و تنها بین معسر و طلبکاری که علیه او اقامه دعوی کرده است اجرا می‌شود.
- شایان ذکر است ملاحظات مذکور در این بخش، ناظر بر موضوع «ورشکستگی» تاجر یا شرکت تجاری (مشتری بانک) بوده و منصرف از بحث «اعسار» می‌باشد.

### مبحث اول - ملاحظات و اقدامات قانونی مرتبط با بستنکاران در صورت ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری:

#### ✓ اشخاص متقاضی صدور حکم ورشکستگی:

بر اساس ماده ۴۱۵ قانون تجارت، حکم ورشکستگی تاجر، در سه مورد «اظهار خود تاجر»، «تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها» و «تقاضای دادستانی» توسط دادگاه صالح صادر و اعلام می‌شود.

#### ✓ تاریخ توقف:

طبق ماده ۴۱۶ قانون تجارت، تاریخ توقف در حکم دادگاه معین می‌شود، در غیر این صورت، تاریخ حکم، تاریخ توقف محسوب است.

#### ✓ اجرای موقت حکم ورشکستگی:

به موجب ماده ۴۱۷ قانون تجارت «حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود». شایان ذکر است اجرای موقت، مستلزم درخواست ذی‌نفع (از جمله بستنکاران) و صدور اجرائیه نمی‌باشد و رأساً اقدامات قانونی توسط مدیر تصفیه صورت می‌پذیرد. باید توجه داشت که این اقدامات منحصر است به اقدامات تأمینی و دعوت بستنکاران و اداره اموال و رسیدگی به مطالبات و سایر اقدامات ضروری نه فروش قطعی اموال ورشکسته.

#### ✓ وظایف و اختیارات مدیر تصفیه:

به موجب مواد ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت اصولاً مدیر تصفیه قائم‌مقام ورشکسته در کلیه اختیارات و حقوق مالی وی بوده و هر کس (از جمله طلبکاران) نسبت به تاجر دعوایی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند. لازم به ذکر است حسب مواد ۴۲۷ الی ۴۲۹ قانون مذکور، نظارت بر اداره امور ورشکستگی بر عهده عضو ناظر است که به موجب حکم دادگاه تعیین می‌گردد. تمامی منازعات مربوط به ورشکستگی توسط عضو ناظر به دادگاه گزارش می‌شود. شایان ذکر است طبق ماده اول قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، «در هر حوزه دادگاه شهرستان که وزارت دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی

تأسیس می‌نماید و در این موارد عضو ناظر تعیین نخواهد شد». وظایف اداره تصفیه در قانون اخیرالذکر نیز عمدتاً مشابه مدیر تصفیه موضوع قانون تجارت است. ضمن اینکه وفق ماده هشتم قانون یادشده، همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد، رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می‌شود.

### ✓ حال شدن دیون مؤجل:

وفق ماده ۴۲۱ قانون تجارت، **همین که حکم ورشکستگی صادر شد** قروض مؤجل (وعده دار) با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به قروض حال تبدیل می‌شود. بر اساس این قاعده تمام دیون قطعی تاجر اعم از دیون عادی، ممتاز و دارای وثیقه (از جمله بدهی ورشکسته دارای بدهی - اقساط سررسید نشده - به بانک) حال می‌شوند. دلایل حال شدن دیون تاجر ورشکسته را می‌توان در رعایت اصل تساوی حقوق طلبکاران تاجر، رعایت اصل سرعت در امر تصفیه و سلب اعتماد از تاجر ورشکسته دانست. رعایت حقوق کلیه طلبکاران اعم از حال یا مؤجل اقتضا می‌کند تقسیم دارائی تاجر ورشکسته توسط مدیر تصفیه، همزمان میان تمام طلبکاران صورت پذیرد. به طور خاص در مورد دلیل اول که مرتبط با بانک‌های طلبکار از ورشکسته می‌باشد لازم به ذکر است که اگر دارایی تاجر ورشکسته صرفاً میان طلبکارانی که طلب آنان حال است تقسیم شود ممکن است طلب آن دسته از طلبکارانی که سررسید طلب آنها نرسیده است (از جمله بانک‌ها در ارتباط با اقساط تسهیلات...) بلاوصول باقی بماند، چرا که معمولاً ورشکستگی تاجر در اثر عدم کفایت دارائی او حادث می‌شود. ضمن اینکه به طور خاص، در مورد تسهیلات پرداختی بانک‌ها نتیجه اجرای ماده ۴۲۱ (که از تصریح و اطلاق برخوردار می‌باشد)، ممنوعیت اخذ کارمزد و یا سود سال‌های آتی (حسب مورد، در خصوص تسهیلات قرض‌الحسنه و سایر تسهیلات) می‌باشد.

### ✓ وضعیت حقوقی معاملات بعد از توقف:

طبق ماده ۴۲۳ قانون تجارت، اقدام تاجر ورشکسته به «نقل و انتقال بلاعوض اموال»، «تأدیه دین اعم از حال و مؤجل» و «هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود»، **بعد از تاریخ توقف**، باطل و بلااثر است. با توجه به اینکه قبل از صدور حکم ورشکستگی، کسی از ورشکستگی تاجر مطلع نمی‌باشد؛ لذا ابطال معامله‌ای که یک طرف آن، ثالث بی خبر است، اجحاف به حق اوست. علی‌احال حکم مقرر در این ماده در خصوص قراردادهای تسهیلاتی بانک‌ها، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ چرا که قراردادهای مزبور به همراه وثایق دریافتی از مشتری بانک (تاجر ورشکسته) که مصداق موارد اشاره شده در این ماده محسوب می‌گردند، از تاریخ توقف که ممکن است مدتها پیش از صدور حکم ورشکستگی تعیین شده باشد، باطل و بلااثر خواهد شد. از سوی دیگر، ماده ۵۵۷ قانون مذکور مقرر داشته «کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هرکس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است». لذا در خصوص وضعیت حقوقی اعمال تاجر پس از توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی ظاهراً بین مواد ۴۲۳ و ۵۵۷ قانون تجارت تعارض وجود دارد؛ زیرا ماده ۴۲۳ تنها برخی اعمال را باطل محسوب نموده؛ لکن ماده ۵۵۷ کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف منعقد شده باشد را محکوم به بطلان می‌داند. با این وجود به نظر می‌رسد اساساً بین این دو ماده تعارضی وجود ندارد چرا که ماده ۴۲۳ یک قاعده اصلی و کلی است و به مواردی اختصاص دارد که معامله، متضمن ارتکاب جرمی نیست و حال آنکه ماده ۵۵۷ فقط ناظر به اعمال مرتبط با عملیات مجرمانه مندرج در آن بخش است که ماده ۵۵۷ در آن قرار دارد. یعنی مواردی که متضمن ارتکاب جرمی از جرایم موضوع مواد ۵۵۱ به بعد قانون تجارت می‌باشد و جمع بندی این دو ماده به این شکل است که بگوییم علی‌الاصول قراردادهایی که نه مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت می‌شوند و نه مشمول ماده ۵۵۷ این قانون، صحیح می‌باشند.

### ✓ تشخیص مطالبات طلبکارها:

- **اعلام طلب:** ماده ۴۶۲ قانون تجارت مقرر داشته «پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند - در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده - اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آن‌ها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند». تشخیص مطالبات در محل و روز و ساعتی که عضو ناظر تعیین می‌کند، انجام می‌شود. مواد ۲۴ و ۲۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی در همین ارتباط می‌باشد. بر اساس این مواد، اداره تصفیه باید در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی منتشر نماید و به بستانکاران و کسانی که ادعایی دارند، اخطار می‌دهد که ظرف مدت ۲ ماه مدارک خود به اداره تصفیه ارایه کنند. این آگهی باید ۲ مرتبه به فاصله ۱۰ روز منتشر شود.

- **اعتراض به سایر طلبها:** وفق ماده ۴۶۴ «هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارائی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبهائی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید».

- **ضمانت اجرای عدم اقدام طلبکارها:** بر اساس ماده ۴۷۳ قانون تجارت «طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیمی که ممکن است بعد بعمل آید جزء غرما حساب می‌شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند».

### ✓ **قرارداد ارفاقی:**

- **دعوت طلبکارها:** طبق مواد ۴۷۶ و ۴۷۷ قانون تجارت، عضو ناظر از طریق دفتر دادگاه، طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی در تاریخ معینی دعوت می‌نماید.

- **حد نصاب لازم:** به موجب ماده ۴۸۰، انعقاد قرارداد مزبور، مستلزم حضور لاقلاً نصف بعلاوه یکنفر از طلبکارها با داشتن لاقلاً سه ربع از کلیه مطالبات تصدیق شده می‌باشد. ضمناً قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد (ماده ۴۸۶).

- **اعتراض به قرارداد ارفاقی:** ظرف یک هفته از انعقاد قرارداد طلبکارها در چارچوب ماده ۴۸۵ می‌توانند اعتراض خود را به مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته اعلام نمایند.

- **اثرات قرارداد ارفاقی:** طبق مواد ۴۸۹ و ۴۹۱، پس از تصدیق قرارداد ارفاقی، طلبکارهایی که قرارداد را امضا نموده‌اند، سهم خود را از دارایی تاجر می‌برند؛ پس از تأدیه طلب ایشان، مأموریت مدیر تصفیه خاتمه می‌یابد.

### ✓ **ترتیب پرداخت دیون (طلبکاران دارای وثیقه):**

- با توجه به مواد ۵۱۴ الی ۵۲۱ قانون تجارت و نیز ماده پنجاه و هشتم قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شود. طلبهائی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده طلبهائی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات مختلف تعیین شده در قانون، پرداخت می‌گردد. بدین نحو که طلب طلبکاران هر یک از دسته‌ها پرداخت می‌گردد و اگر چیزی باقی ماند، به گروه بعد می‌رسد.

- جزئیات مزایده اموال غیرمنقول ورشکسته در آیین‌نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی پیش‌بینی گردیده است. از جمله به موجب ماده ۵۰ این آیین‌نامه «هرگاه مال غیرمنقول موضوع مزایده مورد حق رهن و غیره واقع شده باشد باید اخطاریه که متضمن تاریخ و ساعت و محل مزایده باشد برای صاحب حق فرستاده شود. در صورتی که برنده مزایده غیر از شخص صاحب حق رهن باشد باید شخص برنده مزایده و شخص صاحب حق و رئیس یا کارمند اداره تصفیه در یکی از دفترخانه‌های اسناد رسمی حضور بهم رسانیده و ضمن انتقال ملک به خریدار حق صاحب رهن را پرداخته و مازاد آن را به حساب ورشکسته منظور دارند».

### ✓ **شکایت از احکام مربوط به ورشکستگی:**

**مهلت اعتراض:** طبق ماده ۵۳۷ قانون تجارت، اعتراض اشخاص ذینفع (مقیم ایران) نسبت به حکم ورشکستگی باید ظرف حداکثر یکماه از تاریخ اعلان حکم صورت پذیرد.

شایان ذکر است در رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ - ۱۳۹۹/۴/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز موضوع عدم نسخ حکم خاص ماده ۵۳۷ به موجب مقررات عام قانون مؤخرالتصویب آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و اینکه اعتراض کلیه اشخاص ذینفع به احکام ورشکستگی، خارج از مهلت‌های مذکور در ماده ۵۳۷ در دادگاه صادرکننده حکم قابلیت استماع ندارد، تصریح گردیده است.

- **اعتراض به تاریخ توقف:** با توجه به ماده ۵۳۸، این امکان تا انقضای مهلت تعیین‌شده برای تشخیص و تصدیق مطالبات برای طلبکارها میسر بوده و با انقضای مهلت‌های مزبور، تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیرقابل تغییر خواهد بود. بدیهی است این موضوع در خصوص بانک‌های طلبکار از ورشکسته که طلب ایشان از تعیین تاریخ توقف متأثر می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و لازم است بانک‌ها در راستای حفظ حقوق، منافع و مصالح سپرده‌گذاران و سهامداران خود، اقدامات و پیگیری‌های حقوقی لازم جهت تعیین مدتی معقول و متعارف به عنوان تاریخ توقف توسط دادگاه را معمول دارند.

## ✓ اعاده اعتبار :

- **لزوم پرداخت کامل دیون:** طبق ماده ۵۶۱ قانون تجارت هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می‌نماید.
- **خسارت تأخیر تأدیه:** ماده ۵۶۲ قانون تجارت مقرر داشته «طلبکارها نمی‌توانند از جهت تأخیری که در اداء طلب آنها شده است برای بیش از پنجسال مطالبه متفرعات و خسارت نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می‌شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد». البته همانطور که در رأی وحدت رویه شماره ۷۸۸ - ۱۳۹۹/۳/۲۷ تصریح گردیده مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۱۹ و ۴۲۱ قانون تجارت و سایر مقررات مربوط، طلبکاران ورشکسته حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام توقف را از ورشکسته ندارند و حکم مقرر در مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ قانون مذکور ناظر به زمانی است که تاجر بخواهد اعاده اعتبار (حق) کند. ضمناً با توجه به اینکه مسئولیت ضامن در هر حال نمی‌تواند بیش از میزان مسئولیت مضمون‌عنه باشد، خسارت تأخیر تأدیه از ضامن تاجر ورشکسته نیز قابل مطالبه نیست.

## مبحث دوم - اهم آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مرتبط با موضوع ورشکستگی:

رأی وحدت رویه شماره ۷۸۸ - ۱۳۹۹/۳/۲۷

موضوع: عدم امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از ضامن تاجر ورشکسته در ایام توقف

متن رأی:

مستفاد از مواد ۴۱۸، ۴۱۹ و ۴۲۱ قانون تجارت و سایر مقررات مربوط، طلبکاران ورشکسته حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام توقف را از ورشکسته ندارند و حکم مقرر در مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ قانون مذکور ناظر به زمانی است که تاجر بخواهد اعاده اعتبار (حق) کند، که در رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵-۱۳۴۷/۱۲/۱۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز تصریح شده است. با توجه به اینکه مسئولیت ضامن در هر حال نمی‌تواند بیش از میزان مسئولیت مضمون‌عنه باشد، خسارت تأخیر تأدیه فوق‌الذکر از ضامن تاجر ورشکسته نیز قابل مطالبه نیست. بنا به مراتب، رأی شماره ۱۶۹ - ۱۳۹۸/۲/۹ شعبه هفدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود.

رأی وحدت رویه شماره ۷۸۹ - ۱۳۹۹/۴/۳

موضوع: عدم استماع اعتراض اشخاص ذینفع به احکام ورشکستگی خارج از مهلت‌های مذکور در ماده ۵۳۷ قانون تجارت

متن رأی:

با توجه به اینکه به لحاظ وضعیت خاص ورشکستگی و احکام راجع به آن و لزوم تسریع در انجام عملیات تصفیه، مقررات خاصی در قانون تجارت وضع شده و از جمله فصل مخصوصی به طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی تحت همین عنوان اختصاص داده شده و آگهی کردن حکم ورشکستگی الزامی شده و در ماده ۵۳۷ همین قانون مبدأ اعتراض اشخاص ذینفع به نحو مطلق، تاریخ اعلان (آگهی) احکام راجع به ورشکستگی دانسته شده است و قرینه کافی بر نسخ مقررات خاص مذکور به موجب مقررات عام قانون مؤخرالتصویب آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی وجود ندارد و با عنایت به اصل عدم نسخ، اعتراض کلیه اشخاص ذینفع به احکام ورشکستگی، خارج از مهلت‌های مذکور در ماده ۵۳۷ قانون یادشده در دادگاه صادرکننده حکم قابلیت استماع ندارد. بنا به مراتب، رأی شماره ۲۸۴ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۷ شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان که با این نظر انطباق دارد به اکثریت قاطع آراء هیأت عمومی صحیح و مطابق قانون تشخیص داده می‌شود.

## رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱-۱۳۷۰/۳/۲۸

موضوع: بطلان کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات ناشی از صدور حکم علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران

### متن رأی:

ماده (۴۱۷) قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است. در بند «۲» و بند «۳» ماده (۴۲۳) قانون تجارت هم تصریح شده که تأدیه هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیرمنقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود باطل و بی اثر است. بنابراین در هر مورد که بعد از تاریخ توقف حکمی مستقیماً علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجرا شود کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می باشد مشمول ماده (۴۲۳) قانون تجارت بوده و باطل و بی اعتبار است. فلذا آرای صادر از شعب ۱۷ و ۱۸ دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

## رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵-۱۳۴۷/۱۲/۱۴

موضوع: عدم پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ایام بعد از تاریخ توقف به طلبکاران وثیقه دار تاجر ورشکسته

### متن رأی:

از مجموع مقررات مواد (۱۸، ۴۰، ۴۱ و ۵۸) قانون تصفیه ورشکستگی درباره اموال مورد وثیقه تاجر ورشکسته و ماده (۱۸) آن قانون در مورد اموال غیرمنقولی که متعلق حق اشخاص ثالث است و ماده (۴۱۹) قانون تجارت استفاده و استنباط می شود که قانون مزبور ترتیبات راجع به معاملات تاجر ورشکسته را که از آن جمله معاملات با حق استرداد است تابع تشریفات آن قانون قرار داده و ماده (۳۴) اصلاحی قانون ثبت که درباره معاملات با حق استرداد مقرراتی وضع نموده شامل معاملات با حق استرداد ورشکسته که مشمول مقررات خاصی است نمی گردد و مقررات قانون تصفیه در مورد معاملات با حق استرداد تاجر ورشکسته لازم الرعایه است و با احراز این امر چون پس از صدور حکم توقف قانوناً ورشکسته از دخالت در کلیه امور مالی مربوط به خود ممنوع و اداره تصفیه به عنوان قائم مقام ورشکسته طلب طلبکاران را تشخیص و تصدیق می نماید و مطالبات متوقف را وصول و اقدام به فروش و بعد تقسیم اموال وی می کند و طبق ماده (۴۲۱) قانون مزبور همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضی نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود و این حکم شامل حال عموم طلبکاران است و راجع به طلبکاران وثیقه دار قانون برای وصول طلب آنها تا تاریخ ورشکستگی این مزیت را منظور داشته که کلیه طلب آنها از محل مورد وثیقه استیفا شود و در صورتی که حاصل فروش کفایت طلب آنها را ننمود نسبت به بقیه طلب خود جزء غرمای معمولی منظور شوند و از وجوهی که برای غرما مقرر است حصه ببرند ولی دیگر از قانون تجارت استفاده نمی شود که این طبقه از طلبکاران علاوه بر مزایای فوق ذی حق در مطالبه خسارت تأخیر ادا از تاریخ ورشکستگی به بعد هم باشند و ماده (۵۶۲) قانون تجارت که در باب سیزدهم تحت عنوان اعاده اعتبار تاجر ورشکسته ذکر شده با توجه به ماده (۵۶۱) قانون مزبور ناظر به موردی است که تاجر ورشکسته ملأئ حاصل نموده و بخواهد اعاده اعتبار کند.

بنابراین نظر شعبه سوم مبنی بر اینکه طلبکاران ورشکسته اعم از اینکه وثیقه داشته باشند یا نه، حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند صحیح به نظر می رسد و این رأی طبق ماده واحده مصوب تیرماه ۱۳۳۸ لازم الاتباع است.

### مبحث سوم - سایر نکات

#### ✓ اطلاع شبکه بانکی از طرح دادخواست ورشکستگی:

یکی از چالش های نظام بانکی کشور، عدم اطلاع از طرح دعوای ورشکستگی از سوی بدهکاران به ویژه بدهکاران کلان بدحساب بانکی است. لذا با توجه به مخاطرات و تبعات ناشی از این امر برای بانکها، طی سنوات اخیر، مکاتبات و بخشنامه هایی از سوی مراجع ذی ربط از

جمله قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی جهت اطلاع بانک مرکزی و سایر بانک‌ها از طرح دعوی ورشکستگی صادر گردیده که موارد ذیل به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

- بخشنامه شماره ۱۰۰۵/۱۴۴/۳/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۳ معاون اول قوه قضاییه مبنی بر لزوم استعلام وضعیت شخص مدعی ورشکستگی از بانک مرکزی؛
- نامه شماره ۹۰۰۰/۲۳۳۱۴/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۹ رئیس حوزه ریاست قوه قضاییه در خصوص ارسال مشخصات دادخواست دهنده (ورشکسته) با طبقه‌بندی محرمانه، به بانک مرکزی؛

## ✓ اطلاع شبکه بانکی از صدور حکم ورشکستگی:

- طبق ماده ۵۳۷ قانون تجارت، حکم ورشکستگی باید اعلان (انتشار عمومی) شود. وفق ماده بیست و پنجم قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی نیز پس از صدور حکم ورشکستگی، اداره تصفیه نسبت به آگهی نمودن مراتب در مجله رسمی وزارت دادگستری [در حال حاضر، روزنامه رسمی] و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار [ظاهراً روزنامه مناقصه مزایده] دوبار به فاصله ده روز، اقدام خواهد نمود.
  - به موجب بند «پ» ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه، «قوه قضاییه مکلف است در راستای شفاف‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد زمینه اعتبارسنجی، سامانه سجل محکومیت‌های مالی را ایجاد نماید تا امکان استعلام برخط کلیه محکومیت‌های مالی اشخاص محکوم‌علیهیم از این سامانه برای بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و دستگاههای اجرایی و دفاتر اسناد رسمی فراهم آید». ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی حکم قانونی اخیرالذکر نیز قوه قضاییه را مکلف نموده متناسب با اجرای رأی یا رضایت محکوم له یا رفع سوء اثر از موضوع یا انجام تعهد یا صدور حکم اعاده اعتبار یا ورشکستگی نسبت به بروزرسانی اطلاعات سامانه اقدام کند.
  - تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون صدور چک نیز قوه قضاییه را مکلف به فراهم‌نمودن امکان دسترسی برخط بانک مرکزی به احکام ورشکستگی، از طریق سامانه سجل محکومیت‌های مالی نموده است.
  - به منظور جلوگیری از سوءاستفاده بدهکاران بانکی از قوانین ورشکستگی، بخشنامه‌ای به شرح ذیل در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۵ توسط رئیس کل دادگستری استان تهران به واحدهای قضایی مربوط ابلاغ گردیده است:
- نظر به اینکه برخی بدهکاران خصوصاً بدهکاران کلان بانکی با سوء استفاده از خلاء قانونی و جهت بهره‌مندی از مزایای تأسیس حقوقی ورشکستگی در دادخواست اعلام ورشکستگی عمده طلبکاران اعم از بانک‌های پرداخت کننده تسهیلات ... را به عنوان خواننده طرف دعوا قرار نمی‌دهند و ادارات مرقوم با توجه به نشر اعلان عمومی رای ورشکستگی در اغلب موارد از صدور رای مطلع نبوده و در صورت اطلاع از رای وحدت رویه شماره ۷۸۹ ... که مهلت اعتراض شخص ثالث و ذینفع مقیم در ایران به رای ورشکستگی را یک ماه از تاریخ اعلان (آگهی) تعیین نموده است مواجه می‌گردند که این امر در حال حاضر تبدیل به حیلۀ ای برای فرار و یا به تعویق انداختن دیون بدهکاران عمده بانکی شده است. بنابراین با توجه به آثار حکم ورشکستگی در بازپرداخت وام و تسهیلات دریافتی و تأثیر زمان توقف در میزان سود و خسارت تأخیر تأدیه و در نتیجه تضییع حقوق عمومی، دادگاه‌های صادرکننده رأی ورشکستگی مکلف هستند یک نسخه از رونوشت رای ورشکستگی را به اداره کل حقوقی بانک مرکزی ... ارسال نمایند تا ... ضمن اطلاع از آگهی منتشر شده بتوانند در مهلت قانونی از ادعاها و ایده خواهان آگاه شده و در صورت لزوم تحت عنوان شخص ثالث اعتراض قانونی به عمل آورند».

## ✓ مطالبات ارزی:

طبق ماده (۴۶۲) قانون تجارت، «پس از صدور حکم ورشکستگی، طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظام‌نامه وزارت عدلیه معین شده، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آن‌ها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند». بر این اساس و با توجه به اینکه بازپرداخت تسهیلات پرداختی از محل منابع ارزی بانک‌ها به عین ارز می‌باشد و در موارد عدم وصول مطالبات ارزی، بانک‌ها برای جایگزینی ارز پرداختی، مجبور به تأمین آن از بازار و به نرخ آزاد می‌باشند، مطالبات ارزی بانک‌ها از مشتریان ورشکسته خود باید طبق اسناد طلب آن‌ها به صورت ارز، معین گردد. این در حالی است که رویه مورد اجرا در اداره تصفیه امور ورشکستگی، تسعیر مطالبات ارزی بانک‌ها/حساب ذخیره ارزی/صندوق توسعه ملی به ریال بر مبنای تاریخ

توقف تاجر ورشکسته است که مغایر قانون می‌باشد. همچنین مستفاد از ماده (۳۱۲) قانون مدنی ماده (۴۶) قانون اجرای احکام مدنی و نیز نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۲۴۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه<sup>۲</sup>، در موارد محاسبه و وصول مطالبات ارزی بانک‌ها توسط اداره کل تصفیه امور ورشکستگی و مراجع اجرای ثبت، چنانچه امکان استرداد عین ارز دریافتی وجود نداشته باشد، نرخ ارز در تاریخ استرداد (یوم‌الاداء)، باید ملاک محاسبه و تسویه مطالبات ارزی بانک‌های طلبکار قرار گیرد.

### خلاصه اهم مطالب این بخش:

- با توجه به مطالب ذکر شده در این بخش، می‌توان به طور خلاصه، مهمترین ملاحظات قانونی مرتبط با تأثیر ورشکستگی مشتری (بدهکار به بانک)، بر مطالبات بانک‌ها و اقدامات قابل انجام از سوی ایشان را به شرح ذیل بیان نمود:
- ✓ حال شدن دیون وعده‌دار (اقساط تسهیلات) ورشکسته و عدم امکان مطالبه کارمزد و یا سود سال‌های آتی؛
  - ✓ عدم تعلق خسارت تأخیر تأدیه به دیون ورشکسته از تاریخ توقف (جز در فرض اعاده اعتبار) و تبعاً عدم مسئولیت ضامن در این خصوص؛
  - ✓ بطلان معاملات بعد از تاریخ توقف ((و عملیات اجرایی مربوط) که به ضرر طلبکاران تمام شود؛
  - ✓ اولویت طلبکاران دارای وثیقه (از جمله بانک‌ها) در دریافت طلب از محل فروش مال مورد وثیقه؛
  - ✓ لزوم انجام اقدامات لازم جهت وصول مطالبات، به طرفیت مدیر تصفیه (یا اداره تصفیه امور ورشکستگی)؛

---

<sup>۲</sup> با توجه به اینکه در فرض استعمال محکوم‌به، برابر حکم دادگاه، دلار می‌باشد، لذا محکوم‌علیه موظف است همان میزان دلار مندرج در حکم را به محکوم‌له و چنانچه در تهیه آن متعذر باشد با توجه به ملاک ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی قیمت آن به تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی بهای آن به قیمت یوم‌الاداء، به نرخ بازار آزاد محاسبه و از محکوم‌علیه وصول و به محکوم‌له پرداخت می‌شود.